

پژواک

نشره خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز در برلین غربی

۱۵ آذر ۱۳۶۵

شماره ۳

ابعاد تازه جنگ قدرت

افشای معاملات اسلحه با آمریکا و اسرائیل به اختلافات و جنگ قدرت در محافل حاکم جمهوری اسلامی، ابعاد و عمق تازه‌ای بخشیده است.

تا شماره قبل پژواک، خبرها ناشی از دستگیری گروه سید مهدی هاشمی و قدرت گرفتن رفسنجانی و حمایت از سرکوب آنها از طرف گروه وابسته به روزنامه رسالت، بود که خوانندگان پژواک را فضلا در جریان درگیریها قرار دادیم و بلاخره در آخرین فرصت، خبر دستگیری گروه احمد کاشانی و استیضاح نمایندگان مجلس و حمایت خمینی از رفسنجانی، در شماره قبل درج گردید.

اکنون در این شماره، کوشش می‌نمائیم، خوانندگان را در جریان ادامه درگیریها قرار دهیم.

واقعیت آن است که پس از افشای جریان سفر ملک فارلین و رابطه با آمریکا، امواج مخالفت طبعی این رابطه و شخص رفسنجانی، بالا گرفت. حمله و مخالفت دانشجویان "خط امام"، سخن رانی خوشینی‌ها، نطق قبل از دستور عباس دوزد و زانسی در مجلس، و بلاخره اعلامیه بازگان در ایستگاه‌ها و اعلامیه و افشاکاری احمد کاشانی و نظامیان هوادار وی، بخصوص در میان ارتشیان و دستگیری بی‌ش از ۲۰۰ نظامی، همه گویای موقعیت پس‌دشواری بود که، به تضعیف هر چه بیشتر رفسنجانی می‌انجامید.

مسئولین جمهوری اسلامی، یکی پس از دیگری از جریان مذاکره با آمریکا، فاصله گرفتند و مخالفت خود را با آن اعلام کردند، تا جایی که حتی موسوی نخست‌وزیر، در پایان جلسه هیئت دولت ۱۴ آبان، در گفتگویی با خبرنگاران، اعلام کرد:

"هر نوع مذاکره با آمریکا بجز در چارچوب بیانیه الجزایر در دادگاه لاهه غیر ممکن و محکوم است"

رفسنجانی که پیش از افشای روابط پنهانی با آمریکا، با سرکوب باند هاشمی، سرمست از قدرت خویش گردیده بود، پس از بر ملا شدن این رابطه از دو طرف مورد حمله قرار گرفت. در چینی - جوی بود که ۸ نماینده مجلس، جلال‌الدین فارسی - سید محمد سیرجانی - موسویانی - نیلک‌روش - مرتضی فہیم کرمانی - سید محمد خاضعی - نجفی - اسرافیلیان، از ولایتی در این رابطه سوال می‌کنند.

شاطو، نماینده ملایر، در سخنرانی قبل از دستور

بقیه در صفحه ۲

سفر "مک‌فارلین" و اپوزیسیون

رفسنجانی، که خود مبتکر چنین رابطه‌ای بوده است، می‌شود.

رفسنجانی و دایو دسته وی، که ریگان همواره در صحبت‌هایش از آنها بعنوان جناح میانه‌رو و طرفدار رابطه با آمریکا نام میبرد، مورد حمله جناح‌های دیگر در ایران قرار می‌گیرد.

خمینی که در ارتباط نزدیک با رفسنجانی، از چگونگی این روابط مطلع بوده و همواره آنان را مستقیماً "هدایت می‌کرده‌است، در نطقی اشاره به انفجار ظلمی که در کاخ "شاه‌موشکنان" رخ داد و باعث رسوایی سران آمریکا شد، میکند.

خمینی، در این نطق نماینده‌گان مجلس، کسانی

اخبار فروش اسلحه آمریکا به ایران و روابط پنهانی این دو کشور با یکدیگر، کماکان در صدر خبرهای نشریات اپوزیسیون قرار دارد.

اکنون دیگر برای مردم ایران و جهان محرز می‌گردد که، "شیطان بزرگ" آمریکا از دو سال پیش، اسلحه و لوازم یدکی سلاح‌های "زمنندگان اسلام" را طبع کفر، تأمین می‌کرده و بدین وسیله "حزب الله" را در جبهه‌های "حق طبع باطل" یاری می‌رسانده‌است، و علاوه بر درآمد آن به ضد انقلابیون نیکاراکوه، کمک می‌کرده‌است.

این رسوایی منجر به اظهار نظرهای تسوجیه‌گرانه از سوی مقامات رسمی ایران، بخصوص

بقیه در صفحه ۴

اعتصاب در زندانها

در صفحه ۷

دست و پای حضرات

در پوست گردو

"ماجرای ایران" فعل و انفعالات جدیدی را در کاخ سفید برانگیخته است. علاوه بر اینکه بدنبال این "ماجرا" ریگان تحت فشار رمیای خود از حزب دمکرات فرار گرفته و دامنه کشمکشها حتی بداخل حزب جمهوری خواه کشیده شده است، منابع دادگستری ایالات متحد مو "کمیسیون‌های ویژه" رنگارنگ به کار افتاده‌اند تا متحدان "کیان به خطر افتاده" امریکای متحدان در افکار جهانیان را نجات دهند.

تحويل سلاح به رژیم جمهوری اسلامی گذشته از اینکه از جانب مخالفین ریگان در دستگاه هیئت حاکمه آمریکا و حتی متحدین اروپائی آمریکا به شکل حسابگرانه و از زاویه دید منافع سیاسی انحصارات مالی - صنعتی مورد انتقاد قرار می‌گیرد، برای افکار عمومی مردم دنیا پار دیگر ملاکی است برای قضاوت درباره فاصله گفتار و کردار مجموعه دستگاه حکومتی آمریکا و فریب و دروغ - دستگاه تبلیغاتی‌شان.

اینک جهانیان بار دیگر بد رستی با ناپاوری بقیه در صفحه ۶

فقها و حقوق بشر

جلسه "مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روز پنج شنبه گذشته، قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن، نقض حقوق بشر در ایران و سببیت و بربریت رژیم جمهوری اسلامی برای اولین بار در عالیترین ارگان سازمان ملل متحد، محکوم گردید.

واقعیت این است که در جهان کتر رژیم از نظر افکار عمومی در ضد بشر بودن، چون رژیم جمهوری اسلامی بی‌آبرو است. ولی در میان اپوزیسیون شرقی در خارج از کشور گهگاه، در مقایسه با افشاکاری‌های زمان شاه این تصور بوجود می‌آید که حرکت افشاکرانه در خارج، چون گذشته کارائی ندارد. این مسأله را گاه به ضعف فعالیت اپوزیسیون نسبت به گذشته و گاه به اشباع افکار عمومی جهان از جنایات خمینی نسبت می‌دهند، که بنظر ما نادرست است.

واقعیت اینست که در مقابل کلیه رژیم‌های فاشیستی و سرکوب‌گر اخیر، از شاه تا پینوشه برخوردار رژیم ولایت فقیه، ویژگی خاص خود را دارد. اگر رژیم‌های دیکتاتوری در سرکوب و ضدیت با حقوق بشر دست کمی از یکدیگر ندارند، ولی می‌توان گفت که رژیم وحشی خمینی در ادعای دروغین بشر دوستی و قبول حقوق بشر با آنان همدا نیست. شاید رژیم اسلامی ایران از نادر حکومت‌های قرن اخیر باشد که در ادعا و عمل ضد حقوق بشر و سرکوبگر آن است.

ویژگی خاص رژیم اسلامی که آن را از سایر هم‌تایان فاشیستی جدا می‌کند، این است که آنها نه تنها نظریات و حشمانه ضد بشری خود را کتمان نمی‌کنند، بلکه آن را تبلیغ نیز کرده و به آن افتخار

در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

"عدل اسلامی"

آزادی قدس!!

اخبار رسیده از ایران

ابعاد تازه ...

خود دقیقاً توضیح می دهد که هدف سؤال کنندگان از ولایتی، به زیر سؤال بردن چه کسی است. او ابتدا متن سؤال ۸ نماینده را بدین شرح قرائت کرد:

"در رابطه با جنجال تبلیغاتی اخیر در داخل و خارج از کشور در خصوص ارتباط با دولت آمریکا اطلاع دارند که این ارتباط در چه سطحی صورت پذیرفته و نظر به اینکه مجلس شورای اسلامی هیچگونه اطلاعی از این فعل و انفعالات نداشته است، اطلاع دارند چه مقام یا مقاماتی تصمیم به این تماس و ارتباط گرفته اند؟" او ضمن توصیه برادرانه به وزیر محترم خارجه که حساب خود را از حساب سؤال کنندگان و دوستانشان جدا نماید، مسی گویند

"تمنق در پند سوم سئوالات، می رساند که سؤال کنندگان ظاهراً مطلع بودند که وزارت خارجه قبلاً در جریان سفر مشاور ریگان نبوده زیرا متن سؤال چنین است: بطوریکه شنیده می شود، افرادی خارج از کادر وزارت خارجه با هیئت آمریکایی تماس گرفته و مذاکره نمودند.

در واقع طرح این سؤال، یعنی سؤال از شخص نخستوزیر، یعنی سؤال از ریاست محترم مجلس که جریان سفر هیئت را در روز ۱۴ آبان اعلام کرد، یعنی سؤال از ریاست محترم جمهوری یعنی سؤال از نظام جمهوری اسلامی"

این سخن رانی گویای تئانی قبلی ۸ نماینده سؤال کننده با وزیر امور خارجه و اطلاع دقیق آنها از عدم اطلاع وزارت امور خارجه از سفر مشاور اشدتی ریگان، بوده است و نیز ایمن سخنرانی آشکار می کند که طرفهای ایرانی مذاکرات با هیئت آمریکایی، خارج از "کسادر وزارت امور خارجه"، یعنی هاشمی رفسنجانی و اعوان و انصاروی بودند.

با طرح سؤال ۸ نماینده و جوآن روز مجلس خطر جدی موقعت رفسنجانی را تهدید می کرد. خاکریز اسفهان می رفت که به خاکریز رفسنجان تبدیل شود که خمینی سراسیمه و باتمام وجود در نطق روز اول آذر بناسبت آخرین روز هفته وحدت (با حطه به نمایندگان سؤال کننده) با فرمان آتش بس، طبع رفسنجانی، به دفاع از وی پرداخت. خمینی با حطه به نمایندگان سؤال کننده، آنها را بوج و تحت تأثیر تبلیغات خارجی و ضد وحدت، طعناد کرده و آنان را مورد بازخواست قرار داد.

در نتیجه دخالت خمینی، اتحاد میان "خط امامیها" با حطه به جناح اصلی مخالف در بلوک قدرت یعنی هواداران روزنامه رسالت، مجدداً برقرار می گردد.

نمایشناط همیشگی و ملال آور دفاع از "امام" شروع می شود. سبیل تلگرامهای امام جمعه ها و جامعه روحانیت و نهادها در دفاع از سخنان خمینی سرازیر می شود.

نطق های قبل از دستور نمایندگان "خط امامی" مجلس، حاکی از حطه مشترک، به جناح مقابل است.

۱۴۵ نفر از نمایندگان مجلس، در دفاع از دولت (بخوان رفسنجانی) و طبع "اطمیت کوچک مجلس" نامه ای به خمینی می نویسند و با وی تجدید عهد می کنند. جالب اینجاست که نام بسیاری از نمایندگان مانند دوزدوزانی که چند روز پیش در مجلس، طبع این رابطه سخنرانی کرده بودند به چشم می خورد.

حطه به جناح سؤال کننده، سلسله سخنرانی های پیش از دستور مجلس را تشکیل می دهد. سخنرانان جرم آنان را ضدیت با ولایت فقیهه و وابستگی به گروه بقائی و طرفداری از سرمایه داران اعلان می کنند.

مهدی شاطو نماینده ملایر در همان روز در نطق قبل از دستور خود گفت:

"ملت ایران میدانند که مجلس جای اعوان و انصار بقائی کرمانی نیست. ۵۰۰۰ ملت ایران بدانند که در سال گذشته پس از تأیید حضرت امام از شخصی نخستوزیر حضرت اقلیت و دایو دست شان برای فرار از اطاعت امر ولی فقیه مسئله امر "مولوی و" ارشادی را مطرح کردند و گفتند امر امام ارشادی بود نه "مولوی" و بدین ترتیب توجه شرمی برای رای مخالف و متع خود یافتند و ۹۹ رای مخالف به گلدان ریختند.

زی ادامه می دهد: "تقریباً در سال گذشته در چنین روزهایی بود که مضمون جملات حضرت امام این بود که مردم موظف هستند شناسائی کنند و سکوت نخواهند کرد ملت ایران بدانند که در سال گذشته پس از عزل یکی از داوران لاهه از سوی دولت ایران که از ایادی مظفر بقایی کرمانی معاند جمهوری اسلامی می باشد و کاندیدای ریاست جمهوری بود و طبق خبر واصله متاسفانه در "جامعالمادق" به سمپاشی طبع دولت می پردازد. یکی از همپیمانانش که یکی از ۸ نفر سؤال کننده می باشد صراحتاً در مجلس اظهار داشت که دولت ایران به درخواست دولت آمریکا این داور را عزل کرد."

صادق لولو نماینده رامیان در همین رابطه می گوید: "مطلب دیگر اینکه آیا همالگی و دفاع از سید احمد کاشانی و نحوه دستگیری او را بزرگ جلوه دادن در حالتی که خیانتی بالاتر از این می توان گفت که در زمان جنگ با این همه دشمن ایمن حرکتها از او خود شکستن قلب ملت نیست."

وی ادامه می دهد: "پس از افشای ماجرای مک فارلین این همه تبلیغات جهانی خواستند که اثبات ارتباط نمایند. اما هیچکدام سندی بدست نیاوردند و نتوانستند بگویند با چه کسی در ارتباط بوده است. آیا طرح توضیح در قبال ارتباط خود نومی سندان دادن نیست؟"

روشن است که افشای حوادث اخیر، دارای آن چنان اهمیتی است که سردمداران رژیم، حتی از طرح پرسشهای در درون خود، این چنین به لزمه می افتند.

جناح "خط امام" اگر در گذشته موفق شده بود از موضع ضد آمریکایی حرفان خود را بگوید این بار که این موضع، خود به حربه طرف مقابل بدل گشته، و این سیاست دیگر رنگی ندارد، با

نسبت دادن طرف مقابل به هواداری از پولداران و زمین داران و محترمان، (استکبار داخلی) کوشش می کند که طرفداران "مستضعف" خود را بسیج کرده و به طرف مقابل حطه ببرد.

فواد کریمی نیز درباره آنها می گوید: "اما این آقایان دفاع از منافع سرمایه داران و - فئودالها را با طرح قانون مقدس از قبیل اسلام فقاهتی همواره ادامه دادمانند و صورت مذاکرات مجلس موبد آنست که این خط و جریان، از منافع مستضعفین حتی یکبار دفاع نکرده اند."

مخبر کیهان می نویسد: "فواد کریمی حرکات سیاسی - اقتصادی و مذهبی این خط و جریان را منحرف از خط امام دانست و گفت: "ایمن انحراف در بعد اقتصادی دفاع از سرمایه داران و فئودالها در پوشش شرم و بعد سیاسی مبارزه با دولت و حتی مجلس در قالب مقدس نائی برای قبضه کردن قدرت سیاسی است. در بعد فقهی آنها در مقابل امام با طرح ارشادی بودن نظرات خود را تحت عنوان اسلام فقاهتی در مقابل ولایت فقیه مطرح کرده اند."

فواد کریمی ارگان رسمی این جریان را روزنامه رسالت دانست و گفت: "رسالت این روزنامه القأ اندیشه های مغایر اندیشه امام و اجرای خط سیاسی در مقابل خط امام و دید فقاهتی در مقابل فقاهت امام در یک کلام رسالت تفرقه و جدانمودن است از امام در لباس مذهب، و احیای پینش سیاسی - اقتصادی لیبرالیسم در رنگ دینی و طرح اندیشه های الهام یافته از اقتصاد آزاد. پس با برچسب فقاهت و ایجاد زمینه اعتقادی مناسب برای قارت مردم بوسیله پول پرستان و محترکین و قدرت طلبان است."

این حطه ها در حالی است که ۸ تن نماینده سؤال کننده، بلافاصله در روز ۲ آذر یعنی در اولین جلسه مجلس پس از سخنرانی خمینی طبع نامه ای به رئیس مجلس با "اظهار پشروی کامل از رهنمودهای حکیمانه مقام رهبری ۵۰۰ پس از اطلاع از نظر امام امت و صلحت ملت نیازی به سؤال مزبور نمی بینند."

بنظر می آید که خمینی در ایجاد وحدت موقتی در میان باند های طرفدار خود و یا بهتر بگوئیم اتحاد موقتی میان باند های مخالف هواداران روزنامه رسالت موفقیت نسبی بدست آورده است. در این میان باند طرفدار رابطه با آمریکا که تا دیروز افشا کنندگان را "منحرف از اسلام و انقلاب" می نامیدند امروز با برخوردی شرکینانه آنان را عزیزان تند روی می نامند، که "محولان" مخالفت با این رابطه کرده اند.

قابل خیرخواه، نماینده لاهیجان در سخنرانی قبل از دستور خود ضمن نصیحت مخالفین، بند را آب داده، می گوید: "من در اینجا با صرف نظر اینکه آیا افشا ارتباط آمریکا در شرایط فعلی صلحت بود یا نه و آیا برخورد مجولانه برخی از عزیزان نشانه تند روی هایشان بود یا نه و آیا ورود غیرقانونی آمریکا به منظور ارتباط با انقلاب اسلامی و طرح دوستی با تنها قدرت منطقه با حسن نیت صورت گرفته و یا توأم با توطئه شیطنست بقعه در صفحه ۸

“عدل اسلامی”

چهارشنبه گذشته در همدان، چهار نفر به جرم روابط نامشروع جنسی “سنگسار گردیدند”. سه نفر از این عده در حین سنگسار شدن، کشته و بنا بر گزارش، یک نفر موفق به فرار شد.

رژیم “ولایت فقیه” یکبار دیگر چهار انسان را به “جرم موهومی” به سنگ بست و سنگسار کرد تا یکبار دیگر، سرشت جبارانه و غیرانسانی خود را در برابر دیدگان مردم، به نمایش بگذارد؛ آنهم در شرایط زمانی که گرایش روشن اندیشان جهان، حتی خواهان لغو حکم اعدام برای مجرمین است.

در نشریات گوناگون و به شمار جمهوری اسلامی ایران، هر روز درج اینگونه اخبار، چشم را می آزارد و دل را به درد می آورد. مجازات‌های چنین هولناک، چونان بختی خونخوار بر سر مردم سایه افکنده است. رژیم ماقبل تاریخ جمهوری اسلامی، با هر چه به زندگی انسانی مربوط می شود، به هر چه که مردمی است، به هر چه که رنگ و روی انسانی دارد، کینه و خشم می ورزد. با نشاط سرستیز دارد. خندیدن گناه است. شادی معصیت دارد. حفظ و رعایت ظاهر زندگی شهری، جرم است و به قصاص ارتکاب چنین جرائمی به تخته و شلاق می بندند.

هنگامی که دولت مردان درجه یک رژیم و شخصی “امام امت” سالین سال با “شیاطین بزرگ و کوچک”، نرد عشق می بازند و جان جوانان مملکت را در جبهه های جنگ، فدای “بهشت

فقهاوو...

هم می کنند. جاسوسی، بربیدن دست و پا، کور کردن چشم، شکنجه و قتل در انظار عمومی در رژیم اسلامی، قانونی و طنی است. از این رو است که حکومت ولایت فقیه کمتر در مقابل افکار عمومی جهان در رابطه با خود حساس است.

ولی حکام سیه دل جمهوری اسلامی غافل از آنند که اعمال و قوانین ضد بشری که آنان این چنین علیه شهروندان و بخصوص نیروهای سیاسی روا داشته اند، گریبان خود آنها را هم خواهد گرفت. چنانکه بروز این پدیده در گذشته نادر نبوده و امروز نیز به امری روزمره بدل گشته است. محمد علی کریمی، نماینده پنجنورد در سفرانی قبل از دستور خود در مجلس به تاریخ ۹ آذر در اعتراض به قوه قضائیه گفت: “جای بسی تأسف است که قوه قضائیه با نماینده محترم فریمان، احمد آباد و سرخس آنچنان برخورد کند.

ساعت یازده شب او را بدون دعوت قبلی به هنگام تهیه برنامه رادیویی در محل صدا و سیما و بدون ارائه حکم جلب کرده و وی را ساعت دو نیمه شب داخل زندانی می کنند که عده ای قاچاقچی و جانی در آنجا هستند. آیا اتهام یک نماینده اینقدر سنگین و مهم است که نیمه شب باید جلب شود آن هم بدون ارائه حکم و با آن وضع زننده. جا دارد که به ریاست

موجودشان می کنند، تا مبادا “اسلام و منافع روحانیت” به خطر افتد، تا مبادا به منافع “خدایان زور و اسلحه” خدشهای وارد آید، مردم را به جرم “گناهانی” که بیش از هر چیز خود رژیم “قرون وسطایی” جمهوری اسلامی ایران را می باید برای وجود چنین جرایمی، بازخواست و محکوم کرد، با شیوه‌هایی که تنها از این رژیم بر می آید، به سنگ می بندند (انسان، بسی اراده به یاد آدم خواران حکومت اسلام پناه شاه عباس می افتد)، تا با اعمال چنین شیوه‌هایی بتوانند چند صباحی بیشتر به حکومت ننگین و پیمایه خود، حیات بخشند. به زنان مبارز، در زندانها، تجاوز می کنند، تا “بکارت اسلام” حفظ گردد؛ غافل از اینکه “عدل اسلامی” انسان و اجرای اجباری آن در زندگی روزمره انسانها، غافل از اینکه استمرار خفقان و توحش به منظور تثبیت “ولایت فقیه”، طاقت مردم را گرفته و در نهایت به عر سیاه رژیمی چنین بریزد، خاتمه خواهد داد.

تاریخ، هیچ حکومت ظالم و جباری را که پای بر جای بماند، بیاد ندارد.

جامی، حال و روز حکومت‌های ضد مردمی و اسلامی را، در قرن‌ها پیش، چنین توصیف کرده است:

نکته‌ی خوش گفته است، آن دورین
عدل دارد ملک را قایم، نه دین
کفرکشی، کاو بعدل آید فره

ملک را از ظالم دیندار به

محترم مجلس عرض کنم کسی که جرم سیاسی سنگین داشته باشد به هر نحوی که مصلحت است اقدام نمایند، این اشکالی ندارد ولی اگر غیر سیاسی و عادی باشد یا مثل این قضیه واهی باشد این شکل جلب کردن و ۴۸ ساعت بازداشت نمودن بهیچ وجه صحیح نیست. وی از رئیس مجلس و از اماش ملتسانه می خواهد:

“اینرا نگذارند انجام دهند.”

کریمی نمی داند و نمی تواند بفهمد کسه در نظامی که مجازات مجرم سیاسی “به هر نحوی که مصلحت است”، اشکالی ندارد “دستگیری، شکنجه گرفتن اقرار تنها به مخالفین سیاسی محدود نمانده به سراغ مثال او نیز خواهد آمد.

سه شنبه ۱۸ آذر تلویزیون جمهوری اسلامی نمایش تکراری توبه قرون وسطایی خود را با هنرپیشه جدیدی از زمره کارگردانان سابق برنامه ها، بنام سید مهدی هاشمی به صحنه می آورد. سید مهدی هاشمی، در برنامه تلویزیونی سه شنبه، به قتل، آدم‌زدی، حمل غیر مجاز اسلحه و توطئه علیه جمهوری اسلامی و سوء استفاده از قرابت با جانشینی ولی فقیه و در یک کلام به هر آنچه گناه آلود است اعتراف می کند.

گرفتن اقرار از سید مهدی هاشمی گرچه امروز جلوه‌ای از قدرت میرضیان خمینی است، ولی

در این بن بست

دهانت را می‌ببند

مبادا که گفته باشی دوست می‌دام

دل‌ت را می‌ببند

روزگار غریبی ست، نازنین

و عشق را

کنار تیرک راه‌بند

تازیان می‌زنند.

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد

در این بن بست کج و بیچ سرما

آتش را

به سوختبار سرود و شعر

فرزان می‌دارند

به اندیشیدن خطر مکن.

روزگار غریبی ست، نازنین

آن که بر در می‌گوید شبا هنگام

به کشتن چراغ آمده است.

نور را در پستوی خانه نهان باید کرد

آنک، قصا بانند

برگذرگاه‌ها مستقر

با کنده و ساطوری خونالود

روزگار غریبی ست، نازنین

و تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند

و ترانه را بر دهان.

شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد

کیاب قناری

بر آتش‌سوسن و یاس

روزگار غریبی ست، نازنین

ابلیس پیروز مست

سورغزای ما را بر سفره نشسته است.

خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد

در خود نطفه تزلزل و زوال آید، نظام انکیز میسون

اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

سفر "مک فارلین" و ...

که به این روابط اعتراض دارند را ، مورد حمله قرار می‌دهد و می‌گوید :

" شما چمتان است ، چه کردید شماها ، شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید از لحن اسرائیل تندتر است شما هم تند رو و کند رو درست نکنید .

با توجه به این رسوائی و مقاومت مردم در برابر از سرگیری روابط با آمریکا ، خمینی خطاب به ملت ایران می‌گوید : " ملت ایران باید جشن بگیرد . " در واقع وی چاره‌ای جز این نمی‌بیند که چنین وانمود کند که گویا این مسئله (رسوائی اخیر) ، " التزام پیروزیهای شما بالاتر است . " و یا " امروز آنهایی که می‌گفتند ما با ایران قطع رابطه می‌کنیم با عجز و ناله به پیشگاه این ملت آمده‌اند و می‌خواهند رابطه برقرار کنند ، ولی ملت ما قبول نمی‌کند . "

خمینی اشاره به افتضاحات یک روی سکه ، یعنی آمریکا می‌کند ، و روی دیگر آن که ایران می‌باشد را بدست فراموشی می‌سپرد . بد رستی می‌توان گفت که ، آمریکا در این رابطه رسوا شده است ولی پرواضح است که دلیل رسوائی آمریکایی رسوائی خمینی نیز هست .

* نشریه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج از کشور ، وابسته به سازمان مجاهدین خلق در مقاله‌ای تحت عنوان ، " رژیم درمانده خمینی در بحران دینی و رسوائی سیاسی " ، به ترجمه خیر سفر مک فارلین به ایران ، متعکس در مطبوعات فرسی پرداخته و همینطور چگونگی سفر هیئت آمریکایی به ایران را از قول مطبوعات دیگر نقل کرده است . این نشریه در مقاله دیگری ، با عنوان " جزئیات برنامه ریزی رژیم خمینی برای سفر مک فارلین به ایران " ، معتقد است که : " اطلاعات بدست آمده بروشنی نشان می‌دهد که برخلاف دوغوردازنها و داستان سرایی های رسوای امثال رفسنجانی ، سردمداران رژیم نه تنها از هیچ چیز بی اطلاع نبوده‌اند ، بلکه خود تدارک همه مقدمات و مؤخرات این بندوبست را فراهم کرده و علاوه بر آن برای پنهان نگه داشتن این ماجرا نیز کلیه نقشه ها و برنامه های لازم را طرحریزی و اجرا کرده‌اند . "

* راه کارگر - ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران طی ، تحلیلی با عنوان " مذاکرات با آمریکا و دوئل قدرت در جوار بارگاه ولایت فقیه "

ابتدا به شرح و ماهیعی ، از قبیل دستگیری سید مهدی هاشمی ، اختلافات منتظری ، دستگیری احمد کاشانی به همراه چند ارتشی و یک سرهنگ می‌پردازد و سپس اشاره به حادثه مهم دیگر ، یعنی سفر مک فارلین به ایران می‌کند .

راه کارگر معتقد است که رژیم خمینی در چنان بن بست بی قرار دارد که برای پیشبرد جنگ دست یاری حتی بسوی شیطان بزرگ نیز دراز می‌کند و از او سلاح می‌خرد . این رژیم خواهان امتیازاتی از غرب است و گامهای نخست در این جهت - گروگانگیری می‌باشد . این سیاست همزمان در مورد فرانسه نیز علی گردید .

این نشریه سپس متذکر می‌گردد که ، اگرچه ریگان برای سبک کردن اتهام وارده بخود مجبور به اعتراف می‌گردد ولی در ایران با توجه به جو موجود و محظورات در رابطه با شیطان بزرگ ، رژیم خمینی به یک باره در مقابل غرب زانو نمی‌زند .

در خاتمه راه کارگر می‌نویسد : این حادثه ناشی از بحران اقتصادی و بن بست در جنگ ، می‌باشد ولی افشای این تماسها از سوی مخالفین رفسنجانی ، حاکی از جنگ قدرت و درگیریهای بسیار حاد در درون رژیم است .

* انقلاب اسلامی - در شماره ۱۲۸ خود ، پیامی به قلم بنی صدر ، درج کرده است . در این پیام ، بنی صدر اشاره به ۴ زمینه " سازش تامسری " میان ایران و آمریکا می‌کند .

۱- سازش بر سر آینده رژیم خمینی و تقویت " جناح میانه رو و واقع بین و موافق تفاهم با غرب " پس از مرگ خمینی

۲- حل مشکل جنگ ایران و عراق ، با حفظ دستگاه حاکم رژیم ایران و حذف صدام

۳- سیاست نفتی و بهای نفت ، مانند دوران شاه سابق ، ایران و عربستان سعودی نقش تعیین کننده در سیاست اوپک را داشته باشند .

۴- مهار سازمانهای توریستی که توسط رژیم بنیادگرایی خمینی در سطح جهانی عمل می‌کند .

در خاتمه بنی صدر اشاره به رسوائی سلطنت طلبان می‌کند و می‌گوید که ، زد و بند های رژیم خمینی با دستگاه ریگان ، ثابت کرد که این سلطنت طلبان که خود را از دم آمریکا آویزان می‌کردند و این پندار بیبوده را رواج می‌دادند که ریگان قول داده است آنها را در ایران به قدرت بازگرداند ، با دم هیچ قدرتی زنده نخواهند شد .

" بدین قرار ، قدرت جهانی آمریکا در ایران ، جز باند رفسنجانی - احمد خمینی ، ندارد . "

* کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلامی تحت عنوان " درباره روابط پنهانی جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا " ، منتشر نموده است . کمیته مرکزی در این اعلامیه اعتقاد دارد که ، احکام جمهوری اسلامی از سالها پیش (یعنی از زمان - یورش به حزب) ، به آمجهای ضد امپریالیستی انقلاب خیانت کرده و خدمت به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ، سرکوب نیروهای انقلابی ، و سیاست کمونیست ستیزی و شوروی ستیزی ، را در پیش گرفته‌اند .

این اعلامیه ، اشاره به لیستی از فعالان حزب توده ایران ، که توسط سیا در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته شده است ، می‌کند و مدعی است که یورش به حزب توده ایران ، سرآغاز بند و بست رژیم خمینی با آمریکا بود و دستگیری و شکنجه رهبران حزب ، دست پخت محافل امپریالیستی می‌باشد .

این اعلامیه ادعا می‌کند : " ملت یورش به حزب توده ایران ، همانا محکوم کردن سیاست ارتجاعی ادامه جنگ کثیف بسوده است . " همچنین کمیته مرکزی حزب بر این بساورد

است که : " برای ناصر صادق و مردمی در ارگانها و نهاد های حاکمیت تنها یک راه وجود دارد و آن حمایت از سیاست اصولی حزب توده - ایران است . "

* کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ، طی اعلامیه ای ، تحت عنوان " همدستی خمینی و ریگان برای ادامه جنگ و کشتار در ایران به افشای رژیم خمینی و در پی آن ، رسوائی شعار " مرگ بر آمریکا " ، پرداخته ، در قسمت هایی از این اعلامیه آمده است :

" آخوند های مرتجعی که سعی می‌کردند بسا شعار " مرگ بر آمریکا " خود را نزد شما انقلابی جلوه دهند ، اینک کوس رسوائی شان در چهار گوشه جهان بمدا درآمده است . "

این اعلامیه پس از شرح وقایع و تماسهایی که از مدتها پیش میان ایران و آمریکا جریان داشته معتقد است ، توافقهایی زیادی از سوی طرفین صورت گرفته و رژیم تبهکار جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ و کشتار و ویرانی ، برای ادامه حیات ننگین خود وارد خطرناکترین معامله با امپریالیسم آمریکا شده است ، چرا که تداوم جنگ و " پیروزی " در آن را با سرنوشت خود عجب می‌بیند و در این راه حاضر به هر بند و بستی است .

* مهدی بازرگان ، طی نامه ای تحت عنوان " کلت و کیک " رفتار هاشمی رفسنجانی را در رابطه با سفر مک فارلین به ایران ، شدیداً به بساد انتقاد گرفته است . وی در نامه ، خود از جمله تأکید می‌کند ، که " توضیحات آقای رفسنجانی در رابطه با سفر مک فارلین به ایران ، به عوض روشنگری ، در میان مردم ایجاد سردرگمی کرده است . " او ضمن زیر علامت سؤال بردن سفر فرستاده ، مخصوصاً کاخ سفید به تهران ، می‌افزاید " آقای رفسنجانی در صورتی که روزنامه " هوادار سوریه " چاپ لبنان الشراع پرده از چنین رازی بر نگرفته بود ، حتماً " کله ای هم در مورد این ماجرا به زبان نمی‌آورد . "

بازرگان اضافه می‌کند : " طی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ، که خود از سیاستمداران عالی رتبه جمهوری اسلامی است ، اعلام نموده است که هفته ها بعد از سفر مک فارلین به تهران از آمدن او مطلع گردیده است . "

او همچنین می‌افزاید : " میرحسین موسوی نخست وزیر نیز ، در جلسه شورای وزیران روز ۵ نوامبر ۸۶ اعلام نموده است ، که او مخالف هر نوع تماس و معامله ای با ایالات متحده آمریکا است ، که خارج از چارچوب صویات الجزایر (که به ماجرای گروگانگیری در تهران پایان داد) و تصمیمات دادگاه لاهه باشد . "

بازرگان تأکید می‌کند که : " حتماً تعداد کمی از دولتمردان و رهبران جمهوری اسلامی اطلاع داشتند که واقعا چه اتفاقی افتاده است . " این حق هر کسی است که از خود سؤال کند ، چرا مردم ایران باید اینهمه قربانی داده و زندگیشان را در میدانهای مین از دست بدهند ، در حالی که از تمام حقایق اطلاع پیدا نمی‌کنند . "

آزادی قدس!!

فعل وارونه

ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۹ آذرماه ۶۵، پس از سفر خود به سوریه در گفتگویی با روزنامه کیهان گفت: "در اقامت ۲۴ ساعته‌ای که در سوریه داشتیم، علاوه بر بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل منطقه جنگ تحمیلی و مبارزه با اسرائیل، با مقامات سوری و لیبیایی، با گروههای مختلف اسلامی نیز که در لبنان و فلسطین علیه صهیونیسم می‌جنگد گفتگوهایی داشتیم".

هم‌اکنون، رژیم جمهوری اسلامی، تلاش می‌کند پر شک و تردید هصپیمانان خود در منطقه غالب آید چرا که بدنیال افشاگرپهانی که در رابطه با ارسال اسلحه آمریکائی به ایران از طریق اسرائیل به عمل آمده است، نشانه‌های ازتیرگی روابط ویا دست‌کم عدم اعتماد یاران جمهوری اسلامی نسبت به رژیم ولایت به چشم می‌خورد. واقعیتها چنین می‌نمایند که جمهوری اسلامی از اوایل جنگ، برای رفع کمبود و ضعف نظامی خود، با تمام کشورها، چه در منطقه (اسرائیل) و چه در سطح بین‌المللی، از ادامه این جنگ بیپوده سود می‌برند، در برقراری مناسبات از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

جمهوری اسلامی ایران، برای پیشبرد شعارهای جنون آمیز خود در رابطه با جنگ با عراق "هر چیزی را که از هر کسی دریافت کردنی باشد می‌پذیرد".

حکومت جمهوری اسلامی، برای تأمین مخارج هنگفت جنگ، نیاز مبرمی به فروش نفت به بازارهای جهانی دارد. از سوی دیگر، حفاظت مناطق نفتی و بویژه جزیره خارک که در این جنگ ارتجاعی بارها، توسط بعب افتشهای شکاری عراق خسارات زیادی دیده بود، تنها با بدست آوردن تجهیزات مدرن نظامی مقدور می‌بود.

رژیم ایران با اصرار در سیاستهای ارتجاعی خود بویژه در رابطه با جنگ، هیچ راهی، بجز روی آوردن به مجتمعهای صنعتی - نظامی و "سوداگران مرگ" ندارد.

واقعیت نشان داده‌است که جمهوری اسلامی پس از برقراری رابطه با آمریکا و بدست آوردن هواپیماهای جنگی "تومکات" از نوع هواپیماهای اف ۱۴، که مجهز به راکتهای "فونیکس" می‌باشند، از حملات هوایی عراق به مناطق نفتی تا حدود زیادی جلوگیری کرده است.

جالب توجه، نقش اسرائیل به عنوان دلال و فروشنده، تسلیحات نظامی به ایران است.

از آنجائی که اسرائیل همیشه خواهان تضعیف عراق، بعنوان "دشمنی عرب" بوده است، برای برقراری تماس با ایران از سال ۱۹۷۹ با اسرائیل ناچیز اسلحه، رابطه برقرار کرد.

در آوریل سال ۸۲، اسرائیل "تسلیحاتی به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار" به ایران ارسال داشت. که همان هنگام از سوی نیروهای چپ که علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند افشاگردید.

همچنانکه چند سال پیش نیز، بر ملا گردید، کانال معاملات تسلیحاتی ایران با اسرائیل سفارت ایران در لندن، بوده و بطوریکه خبرگزاریهای جهان گزارش داده‌اند، سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن، "محل تماس عدنان خاشوقی (میلیارد ر سعودی) و منوچهر قریانی فر (از سلطنت طلبان فراری) دلال ایرانی اسلحه و از اقوام موسوی نخست‌وزیر، جهت انجام معاملات، بوده است.

در سال ۱۹۸۴، میان اسرائیل و ایران قرارداد دیگری در مورد ارسال اسلحه و قطعات یدکی به ایران "در سفارت سوشن در پاریس" امضا گردید.

سال ۱۹۸۸ فرار شد که گروهکهای آمریکائی در لبنان که در چنگال بنیادگرایان بودند، در مقابل دریافت تسلیحات نظامی آزاد گردند. به این منظور، بنا به تأکید قریانی فر، اسرائیلی می‌بایستی برای نشان دادن "تفاهم" یک کشتی با باری از موشکهای "ناو" و موشکهای ضد هوایی "هاوک" به ایران ارسال دارد.

اسرائیلی می‌بایستی برای چنین اقداماتی، ابتدا از آمریکا، کسب تکلیف نماید، آمریکا نیز از طریق مک فارلین، مشاور امنیتی ریگان - که خواهان هدایت گذاران رابطه پنهانی با جمهوری اسلامی ایران است - موافقت خود را اعلام داشت.

مک فارلین، مشاور امنیتی ریگان، بوندکستر و سرهنگ اولیور نورث را به عنوان "میانجی" کاخ سفید، تعیین نمود. پیز، نخست‌وزیر، شامیر وزیر امور خارجه، و رابین وزیر دفاع اسرائیل، نیز در جریان این "دیپلماسی مخفی" فرار داشتند. این دیپلماسی مخفی از آنجا که هم بر خلاف قوانین حقوقی کشورهای مربوطه بوده و هم با مخالفت شدت مردم روبرو گردیده، دولت‌های ایران، اسرائیل و آمریکا را دچار بحران جدی ساخته است. جابجایی عناصر کاخ سفید سقوط احتمالی ریگان از پست ریاست جمهوری، درگیریهای پارلمانی اسرائیل و ضد نقیض‌گویی سران جمهوری اسلامی و جنگ قدرتی که در این رابطه آغاز گردید و هنوز هم ادامه دارد، از عواقب نتایج سیاستهایی است که تنها با منافع "سوداگران مرگ" و حکومت‌های ارتجاعی همخوانی دارد.

آنگونه که از گزارشات خبرگزاریهای جهان برمی آید سلاح‌های آمریکائی برای ارسال به تهران از طریق ایتالیا، یونان، فرانسه، آلمان، پرتغال به اسرائیل فرستاده شده‌اند. بدین ترتیب ماجرای افشا شده، اخیر جدیدترین حلقه از سلسله تماس‌های یاد شد بود که از جهت تسلاش برای ارتقا سطح تماسها و روابط تا حد روابط رسمی، از نظر کیفی با مراحل پیشین متفاوت می‌باشد.

هاشمی رفسنجانی در صاحبه‌ای در پایان جلسه شورای عالی فاج برای چندمین بار در مدت کوتاهی پس از ماجرای افشا شده مذاکرات با آمریکا ساله عربستان سعودی و کویت را مطرح کرده، اظهار داشت که طی مذاکرات سری که با این دو کشور صورت گرفته هر دو کشور تمهید کرده‌اند که کمک‌های خود به رژیم عراق را قطع کنند.

طیبرغ اینکه، ادعای اخیر رفسنجانی با توجه به فعل و انفعالات جدید در رابطه با تغییرات استراتژی امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانانش در منطقه در جهت کوشش برای کنار آمدن با حکام جمهوری اسلامی می‌تواند از رگه‌های جدی واقعیت برخوردار باشد اما اسرار سران حاکمیت جمهوری اسلامی در به میان کشیدن نام و نقش عربستان سعودی و طرح آگاهانه "مذاکرات سری" با این کشور در حول و حوش ماجرای افشا شده، زد و بند با آمریکا را باید در رابطه با کوشش آنان برای لاپوشانی نقش اسرائیل در این میان و قوت بخشیدن به شایعه "میانجیگری عربستان در معاملات اسلحه با آمریکا که خود مخترع آن بوده‌اند ازنمایی کرد.

البته تمامی شواهد حاکی از آنند که تلاش‌هایی از این دست در لاپوشانی آن واقعیت و قوت بخشیدن به این شایعه موثر نبوده‌اند تا آنجا که حتی فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه، متحد ایران پس از سه هفته سکوت در صاحب‌های زیر فشار همه جانبه کشورهای عربی، برای تیرشه دولت خود از اتهام دوستی با "کشوری که چنین روابطی با اسرائیل دارد"، اظهار شکاف می‌دارد که اولاً مقامات سوری از وجود چنین رابطه‌ای بی اطلاع بوده‌اند و در ثانی خود این میانجیگری از جانب اسرائیل کوششی برای ایجاد شکاف میان ایران اسلامی و کشورهای عربی بوده است.

بنابراین درک دلیل تلاش سران رژیم برای القای این مسأله که کشور ثالث میانجی نه اسرائیل بلکه عربستان سعودی بوده‌است، چندان دشوار نیست آنان اولاً "بدین وسیله هدف ایجاد شکاف در همکاریهای رژیم صدام با شیوخ سعودی را دنبال می‌کنند و بجا و نابجا از مذاکرات و همکاریه‌ها با هم پیمانان صدام سخن می‌گویند و ثانیاً همزمان با توجه اصل ماجرا و انکار نقش خود در دست زدن به ابتکار شکست خورده سعی در کمتر جلوه دادن قیاحت مسأله نیز دارند و آنجا که دم خوس طیبرغ قسم حضرت عباس پیدا است، بعنوان دلال معاملات، نام عربستان سعودی را بر اسرائیل ترجیح می‌دهند، چرا که غسل تعمید "اشغالگران قدس" بهرحال دشوارتر از ریختن آب تویه بر سر "اسلام آمریکائی" است!

دست و پای حضرات در ...

به تبلیغات خارجی کسانی می‌نگرند که دعوی رهبری جهان آزاد و تمدن را دارند و جنایات بی‌شمار خود در حق خلقهای جهان را همواره با ادعاهای فریکارانه دفاع از آزادی، مبارزه با تورسم و ... توجیه می‌کنند. چرا که آنان که با بی‌پروائی بی‌نظیری دستور بباران بنادر لیبی را صادر کردند تا بقبل خود درسی به "حامیان تورسم" داده باشند، خود همزمان در خلفا در حال زد و بند با رژیم بوده‌اند که به ادعای خودشان سرخ بسیاری از عملیات تورسمتی در جهان را به دست دارد. آنان که بانگ ابرو از نگرانیشان از جنگ ایران و عراق گوش جهانیان را پر کرده بود به اعتراف خود از بیش از یکسال و نیم پیش با تحویل سلاح به رژیم جمهوری اسلامی همیز کن‌آتش جنگ بودند.

اینان حتی در توجیهای فریکارانه امروز خود نیز دچار تناقضند:

ریگان پایان آبروندانه جنگ ایران و عراق و آزادی گروگانهای آمریکائی در لبنان را از اهداف دیپلماسی مخفیانه خود در رابطه با ایران ذکر می‌کند.

تحویل سلاح به حکام کشوری در حال جنگ که هرگونه ابتکار بین‌المللی برای آتش‌بس و حل مسائل از طریق مذاکره را رد می‌کنند و در طول چند سال گذشته نیت تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود را کمتر پنهان کرده‌اند، در قاموس سردمداران ناخ سفید "کک" به پایان آبروندانه جنگ ایران و عراق "است". تلاش برای آزادی چند گروگان آمریکائی و نجات جان آنان در قبال برافروخته تر کردن آتش جنگی، که ادامه آن روزانه به بهای جان هزاران انسان تمام می‌شود، نمونه‌ای از نیت بشردوستانه ریگان و شرکاست. این ماجرا، علاوه بر آنکه ملک تازه ای برای افشا فریکاریهای تبلیغاتی امپریالیسم به دست داد، بارد دیگری اخلاقی مدعیان رهبری "بشریت تمدن" در سیاست را به نمایش گذاشت. از طرف دیگر فرصتی بدست داد، که در حول و حوش ماجرا، بارد دیگر گوشه‌هایی از سرمایه‌گذاریهای سازمان سیا، در رابطه با پس‌مانده‌های رژیم سلطنتی، و کمکهای مالی خواله شده به حسابهای بانکیشان مطرح شود و از این جهت مایه دلخوری برای حضرات شد.

"واشنگتن پست"، ضمن افشا جزئیاتسی از میزان و چگونگی این کمکها می‌نویسد، که سازمان سیا از دادن کمکهای مالی و امکانات تبلیغی به سلطنت طلبان ایران، همواره صرفاً بعنوان ابزاری برای اعمال فشار به رژیم خمینی برای هموارتر کردن راه نزدیکی آمریکا با این رژیم استفاده کرده است، چرا که اساساً به امکان قدرت‌یابی دوباره هواداران سلطنت در ایران اعتقاد جدی ندارد. سازمان سیا، علاوه بر دادن اعتبارهای مالی به این گروهها، از جمله ماهانه ۱۰۰ هزار دلار برای "جبهه نجات"

به رهبری طی امینی پیر نوکر امپریالیسم، امکانات پخش برنامه‌های راد یویی در اختیار آنان گذاشته و پرداخت کمکهای مالی به گروه در یادار مدنی را به خاطر "اصرار این گروه در استقلال عمل" قطع کرده است.

انتشار اخبار فوق در واشنگتن پست، اگرچه راز مگویی نبوده، با اینحال حضرات را به تب و تاب تکذیب و توجیه انداخته و به عکس‌العمل واداشته است.

در این میان جالب تر از همه واکنش شاهین خان قاطمی است، که اگرچه در لابلای اخبار فوق به نام مطرح نشده است، اما بمصداق مثل "چوب را که برداری، گریه دزده فرار می‌کند" برای حفظ آبرو، "بی‌اعتنایی به شایعات" را موعظه کرده و می‌نویسد: "بهترین نحوه برخورد و راه ریشه کن کردن شایعات، بی‌اعتنایی صرف است، نه تکذیب نه تایید و نه تکرار شایعه".

اعتراف صریح ریگان و دیگر مقامات آمریکایی به زد و بند با رژیم خمینی، حضرات را تازه به صرافت انداخته است که در به اصطلاح "مبارزه" شان با رژیم خمینی به چه ریمان بوسیدهای چنگ زده‌اند. اینان که در مقابل ارتجاع قرون وسطایی ولایت فقیه خمینی، بازار داغی برای ترویج اندیشه‌های ارتجاعي بزرگ شده خود یافته‌اند و در پناه پرخاشگرهای فریکارانه سردمداران کاخ سفید طبع رژیم خمینی به پشت گرمی و با استفاده از امکانات مالی و تبلیغاتی سازمان سیا، نمونه "بهشت موعود" و "کعبه آمان" خود را به مردم ایران عرضه می‌دارند، با افشای زد و بند پیام آوران "آزادی و سعادت بشری" با رژیم ارتجاعي خمینی، اینک دست و پای خود را در پوست گردو می‌یابند.

اگرچه حضرات خود با چنین شیوه‌های فریکارانه و تبلیغاتی دروغین و دودوزه بازیها بخوبی آشنایی دارند و نیک می‌دانند، که پای منافع که در میان باشد، کنار آمدن با ارتجاع - ترین رژیم جهان، نه تنها ممکن و مشروع، که حتی واجب و لازم نیز هست.

بنابراین برای حضرات جای شکوه نیست. قطع امید از قبله عالم نیز که در قاموس آنان جای ندارد. بیپهوده نیست که "رضاخان نیم پهلوی" فاتحانه اعلام می‌دارد که "برقراری تماس با برخی از عناصر و عوامل رژیم در ایران" را "مثبت میدانند تا منفی"، چرا که ضجر به تشدید شکافها و اختلافات دینی رژیم خواهد شد و عمر آنرا کوتاه‌تر خواهد کرد. به هر حال "هرچه از دوست رسد نیکوست" و نباید کفران نعمت کرد!! فقط باید دست به دعا برداشت، که چاکری خالصانه در پیشگاه قبله عالم قبول افتد و در محاسبات و زد و بندها، به حساب آید!

نکته‌ها

گفتم: شنیدی، که از "پژواک" ایستاد گرفتند، که چرا صاحب یکی از رهبران حزب کمونیست مجارستان رو با یک مجله بورژوازی چاپ کرده؟

گفت: بابا اونها مسألشون منابع بورژوازی نیست. دلخوریشون از مطالبی است، که طرف در محاسبه مطرح کرده و مشت خیلی‌ها رو باز می‌کنه!

گفتم: نمی‌دونم چرا "نامه مردم" جنبش واقعی چپ فیلپین یعنی "جبهه دمکراتیک ملی" و سازمان مسلحش "ارتش نین خلق" رو که رو به یک میلیون عضو و ده میلیون هوادار دارند گذاشته و برای تحلیل و خبردهی از اوضاع این کشور بسراغ یکی از رهبران حزب منزوی شده کمونیست سنتی، اونهم از طریق یک مجله استرالیایی رفته؟

گفت: برای اینکه از قدیم گفته اند:

"کیوتربا کیوترباز با باز"

کند همجنس با همجنس پرواز"

گفتم: اتفاقاً طرف مربوطه در همون محاسبه، کمونیستهای مسلح ارتش نین خلق رو از قول خانم آکینو، "شورشی" نامیده!

گفت: نگفتم اونها مسألشون منابع بورژوازی نیست؟!!

گفتم: میگو، استعفای اکبر شاند رمنی از هیئت سیاسی حزب، بدجوری پشه گردانندگان "پلنوم ۱۹" و "کنفرانس ملی چیپها" رو روی آب انداخته و ششقرقی بین توده‌ایهای ساده دلسی که هنوز از این "امامزاده" انتظار معجزه داشتند، بها کرده.

گفت: "باشتا صبح دولتش بریدم"

کاین هنوز از نتایج سحر است!"!

گفتم: انتقاد کرده‌اند، که چرا جداشدگان از حزب، رو خود شون اسم "توده‌ایهای مبارز" گذاشتند؟

گفت: اگه قرار بود بجای مبارزه به سیاست بازی ادامه بدهند، که تو همون حزب باقی می‌موندند!

گفتم: "نامه مردم" چند هفته پیش ادعا کرده بود که بخاطر در مقابل داشتن وظایف خیلی مهم، فرصت پاسخگویی (البته منظورش دشنا مگویی ست)، به مخالفین و انتقادکنندگان رو نداره، با اینحال از اونموقع تا حالا طی هر شماره، سیل فحشو و توهین و افترا رو نصیب مخالفین می‌کنه!

گفت: مگه نشنیدی میگو "دروغگو کم حافظه است"؟

گفتم: جالبه که بعنوان این وظایف مهم سرنگونی رژیم خمینی رو مطرح کرده بود.

گفت: لاف دروغیت که مالیات نداره! اگه راست میگو جواب همون انتقادات رو بدهند، سرنگون کردن رژیم پیشکششون!

پاریس ۸۶

اعتصاب در زندانها

زندانیان بند ۲ و ۱ زندان اوین و زندان کوهردشت، دست به اعتصاب غذا زدند.

بدنبال تعویض مسئولین زندان و نطق و وعده‌های مکرر منتظری، رژیم برای فرونشاندن خشم مردم و بخصوص خانواده‌های زندانیان سیاسی که چگرگوشه‌هایشان به جرم دفاع از حقوق خلق و مبارزه طبقه رژیم، در سلولهای دربسته و نور به بند کشیده شده‌اند، دست به تبلیغ همه جانبه‌ای درباره بهبود شرایط زندان زد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی با فشار و فعالیت مداوم، در اردیبهشت ماه سال جاری گشودن در سلولهای بند را به رژیم تحمیل نمودند.

از آنجا که باز بودن در سلولها و امکان تماس زندانیان با یکدیگر، بدلیل تأثیرگذاری زندانیان مقاوم بر جو بندها، زندانیان ارتجاع را به وحشت انداخته بود، مطابق شیوه‌های همیشگی با تحریک توپین به آزار و اذیت زندانیان مقاوم پرداخته، بهانه‌های برای بستن دوباره در سلولها ایجاد کردند.

بدنبال این تحریکات و ضرب و جرح زندانیان مقاوم از طرف توپین به بهانه امتناع آنان از خواندن نماز، مسئولین زندان، زندانیان ضروب را به مکان نامعلوم انتقال دادند که این عمل منجر به اعتراض دیگر زندانیان و اعتصاب آنان شد.

مسئولین زندان در پاسخ به این حرکت اعتراضی زندانیان اقدام به انتقال مجرمین غیر سیاسی به سلولهای زندانیان سیاسی کرده، حقوق ملاقات خانواده‌ها را منقضی کردند.

بی شک اقداماتی از این دست نیز همچون شکنجه‌های وحشیانه، جلادان، زندانیان مبارز را به زانو در نخواهد آورد و تنها انزجار خلق از مرتجعان را بیشتر کرده زمینه‌های پرچم‌ده شدن حکومت آنان را فراهم خواهد ساخت تا خلق ستند پدیده‌های زندان به بند کشیده شده خود را بار دیگر در آغوش گیرد.

(ت. و. ت.) همراه گردید. این قانون، از همان ابتدا با مخالفت شدیدی استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان روبرو شد. تأثیر این مخالفت و فشار از خیابانها به اندامهای بود که دولت شیراک، بحث پارلمانی مربوط به این قانون را که قرار بود روز جمعه ۲۸ نوامبر انجام بگیرد، به نهم ماه دسامبر، موکول کرد. ۲۴ نوامبر، دانشجویان در مخالفت با "اصلاحات دانشگاهی"، دست به اعتصاب زدند.

دانشجویان همچنین اعلام داشتند که دست به تظاهرات بزرگی خواهند زد. ۲۷ نوامبر، دانشجویان اعتصاب کننده، همزمان با اعتصابی که از سوی ت. و. ت. فراخوانده شده بود، "بیش از یک سوم کلاسهای دانشگاهی را تحریم کردند."

اولین تظاهرات خیابانی دانشجویان و دانش‌آموزان که از سوی تمام نیروهای مترقی پشتیبانی می‌گردید، روز چهارم دسامبر، برگزار گردید. شدت مخالفت تظاهرکنندگان، دولت شیراک را مجبور ساخت که قول اصلاح این قانون را بدهد.

با توجه به اینکه دولت ژاک شیراک، اعلام کرده بود که، تنها در ظاهر این قانون دست به اصلاحاتی خواهد زد، و نه در اصل قانون، دانش‌جویان و دانش‌آموزان و دیگر نیروهای پشتیبان آنها بخوبی می‌دانستند، که تنها راه القای این قانون ارتجاعی، مبارزه وسیع و پیگیر طبقه آن می‌باشد. در پی این مبارزه، یکشنبه گذشته آلف دوکسو وزیر تحقیق و آموزش عالی، که قانون اصلاحات دانشگاهی نیز به نام او، معروف گردیده است، از پست خود کناره‌گیری کرد.

یکروز پیش از این، یعنی در شنبه گذشته، در پی اعتراضات توده‌ای و تظاهرات چند صد هزار نفری دانشجویان و دانش‌آموزان، دانشجویان ۲۲ ساله‌ای، که توسط پلیس فرانسه، به سختی ضروب گردیده بود، در یکی از بیمارستانهای پاریس درگذشت. روز یکشنبه، تظاهرات عظیمی پدید آمد، این دانشجویان مبارز، برگزار گردید. اعتراضات دانشجویی، که به مرحله پالاتس رسید، بود، نه تنها، لغو این قانون، بلکه همچنین برکناری ژاک شیراک و دولت وی را نیز مطرح می‌کرد.

جنبش گسترده دانشجویان و دانش‌آموزان و مبارزات پیگیر آنها با دستگاههای سرکوبگر حکومت، شیراک را مجبور ساخت که پس از یک نشست پارلمانی، روز هفتم دسامبر در توپین اعلام دارد که "من تصمیم گرفتم این طرح قانونی را کاملاً پس بگیرم".

حوادث اخیر، به خوبی نشان داد که تا چه اندازه، منافع دانشجویان و دانش‌آموزان، با منافع زحمتکشان فرانسه، گره خورده است. اقدام مشترک دانشجویان، دانش‌آموزان، احزاب و سازمانهای مترقی و سندیکی وابسته به حزب

دولت فرانسه، پس از دستیابی ژاک شیراک به مقام نخست‌وزیری، در تمام زمینه‌های اجتماعی دست به اقداماتی زده است که خشم مردم و نیروهای مترقی را برانگیخته است. در تظاهراتی که در پاریس از سوی سندیکی وابسته به حزب کمونیست فرانسه (ت. و. ت.) برگزار گردید، مردم در مخالفت با سیاستهای ارتجاعی ژاک شیراک، شعار می‌دادند: "ما برای استقرار نظام خدمات اجتماعی، مبارزه کردیم و برای حفظ آن نیز مبارزه خواهیم کرد." صد هزار نفر در تمام فرانسه، برای دستیابی به این خواسته‌ها، در خیابانها، دست به تظاهرات زدند.

در کنار اقدامات بهیابانه دولت شیراک، قانون اصلاحات دانشگاهی و مدارس عالی فرانسه، موقعیت متشنج فرانسه را، شدیدتر نیز کرد. این قانون شامل این موارد می‌شد: راه ورود فارغ التحصیلان دبیرستانی را به دانشگاهها بسته و تنها کسانی که امتحانات ارزشیابی را بتوانند با موفقیت پشت سر بگذارند به دانشگاه، وارد خواهند شد. هر دانشگاهی، آزاد است که شرایط ورودی را، خود تعیین نماید.

شهریه دانشگاهی، دو برابر شود. در کنار مدارس عالی طی، دانشگاهها می‌باید برنامه آموزشی ویژه خود را داشته و به فارغ التحصیلان، پایان نامه متناسب با سیستم تحصیلی خود ارائه دهند.

مسئله‌ای که در نگاه اول، مورد توجه قرار می‌گیرد، بستن راه تحصیل فرزندان زحمتکشان فرانسه است. افزایش شهریه دانشگاهی، در رابطه با تورم مزمن و بیگاری رو به افزایش، مانعی اساسی است برای ورود به دانشگاه از سوی دیگر امتحانات ویژه جهت جلوگیری از تحصیلات عالی، به آنجا می‌انجامد، که تنها فرزندان ثروتمندان در "دانشگاههای ویژه نخبگان" قادر به تحصیل باشند. در چنین راستایی، دولت شیراک پنهان نمی‌کند، که با اجرای چنین قانونی، در حقیقت به درخواست صاحبان صنایع مبنی بر تربیت "کادرهای نخبه" کردن نهاده است و از اینرو آنان نیز در چنین دانشگاههایی، سرمایه‌گذاری خواهند کرد. "راه بسوی دانشگاههای خصوصی، چندان دور نیست."

جالب توجه است که جنبش دانشجویی سال ۱۹۶۸ نیز، با تصویب چنین قانونی از سوی دولت، آغاز گردید و در روند خود، به جنبش سیاسی تبدیل گردید. از آنجائی که چنین قوانینی، نه تنها مربوط به امور دانشجویان و دانش‌آموزان می‌شدند بلکه بیشتر منافع انظار زحمتکش جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهند، این بار نیز مقاومت دانشجویان و دانش‌آموزان، با حمایت وسیع احزاب چپ، و پسر قدرتمند سندیکی وابسته به حزب کمونیست فرانسه

کمونیست فرانسه، دولت دست راستی فرانسه را به زانو در آورد و آن را گامی به عقب راند.

همسانی جنبش دانشجویی سال ۸۱، با جنبش دانشجویی سال ۶۸، به خوبی نشان داد که "روح مقاومت" هنوز، مانع و سد اساسی در پیشبرد سیاستهای نیروهای راست، در فرانسه می‌باشد.

سفر "مک فارلین" و ...

بازرگان، نقشی را که رفسنجانی در ایران به عهده گرفته، مورد سؤال فرار داده و می‌نویسد: "وقتی کشوری دارای رئیس‌جمهوری نخست‌وزیر و دیپلماتهای عالی رتبه است، که از فضا همه عضو حزب حاکم و در اکثریت هستند و از اعتماد رهبر انقلاب نیز برخوردارند، دیگر چه معنی می‌دهد که رئیس‌مجلس در جریانسی دخالت کند که خصلت دیپلماسی مخفی دارد و از حیثه عطکرد او خارج است. کاری که انجام گرفته است، نقضکننده قانون اساسی و مخالف سوگندی است که آقای رفسنجانی پیاد کرده است. عمل انجام شده نشان می‌دهد که قدرت در تهران در دست کسانی است، که از عهده چنین مسئولیتی بر نمی‌آیند."

* حزب دمکرات کردستان، با انتشار اطلاعیه‌ای به افشای ارسال اسلحه و جنگ‌افزار از طرف آمریکا به جمهوری اسلامی می‌پردازد و می‌نویسد: "رژیم جمهوری اسلامی ایران، نزدیک به ۷ سال است، طیف مردم‌ستدیده، کردستان می‌جنگد... رژیم خمینی در برابر خلق کرد و سایر خلقهای ایران از شور و آدمکشی کوتاهی نمی‌کند..."

این اطلاعیه سه‌جبهه آمریکا با تمام ادعای دفاع از حقوق بشرش را، در رابطه با رژیم ضد آزادی - افشا می‌کند و در پایان، ارسال جنگ‌افزار نظامی به رژیم که سیاست رسمی آن آدمکشسی و تروریست پروریست از طرف هر کشور و دولتی... محکوم می‌نماید.

ابعاد تازه ...

بوده یا نه"

اما از آنجایی که هنوز توان ضد امپریالیستی مردم در جامعه و مخالفین "اجنبی" در درون حاکمیت، از وزن ویژه‌ای برخوردار است، اجرای سیاست نزدیکی به "شیاطین" بزرگ و کوچک به درگیریهایی تازه‌ای در میان این "غریزان" خواهد انجامید.

تظاهرات اخیر هواداران منتظری طیف آمریکا از سوی و آوردن سید مهدی هاشمی به تلویزیون جهت اعتراف گیری از سوی دیگر، گواه این مدعاست.

جنگ قدرت هم‌جانبه‌ای که پس از افشا و رسوایی اخیر بغداد، جدیدی پیدا کرده است، قابل التیام نبوده و همانطور که در گذشته نوشتیم "تضادها را به مرحله بالاتری نیز خواهد کشاند."

با پژوهش

به طت اشکالات فنی ناشی از تراکم مطلب، موفق به درج گزارش سمینار "اتحادیه" بین‌المللی برای دفاع از حقوق بشر و آزادی در ایران" در این شماره، پژواک نشدیم. این گزارش در شماره‌های آینده به اطلاع خوانندگان می‌رسد.

اخبار رسیده از ایران

کارهای واسطه‌گری ندارند. تا کنون قسرب به ۱۰۰۰ کارگر فرمهای بازخریدی را که توسط کارگزینی پخش گردیده، پر کرده‌اند.

* کارگران و زحمتکشان شرکت خوشخواب متحفا توطئه "مدیریت را نقش بر آب کردند". طبق خبر رسیده کارگران شرکت خوشخواب (تولید کننده تشک) در اعتراض به تصمیم مدیر عامل کارخانه مینی برای اعزام لاقل يك شيفت به جبهه‌های جنگ ملی يك عمل دسته جمعی اقدام به جمع‌آوری طومار کرده و پس از امضای آن توسط قریب به ۹۰٪ از کارگران کارخانه، تصمیم ارتجاعی مدیریت را نقش بر آب کردند. کارگران بد رستی در طومار خود ذکر کردند که: "به طت عم تصمیم مالی و اقتصادی برای خود و خانواده - های خود از رفتن به جبهه‌ها معذورند". این تصمیم کارگری طهرغم خواست مدیریت توانست برای مدتی کارگران و زحمتکشان شرکت خوشخواب را از تهدید انجمن اسلامی و مدیریت نسبت به رفتن به جبهه‌ها مصون نگاه دارد.

* کارگران کارخانه کفش ملی در معرض بیکاری و اخراج طبق اطلاع رسیده، گروه گروه از کارگران و زحمتکشان کارخانه کفش ملی به طت تفریقات شدید ضد کارگری در معرض بیکاری و بازخرید قرار دارند. افزایش تقاضای کارگران برای باز - خرید شدن بویژه هنگامی شدت گرفت که جیره غذایی کارگران (صبحانه و ناهار که در کارخانه صرف می‌کردند) و همچنین مالیکی که بابت حق تولید دریافت می‌داشتند، قطع گردید. در این ارتباط کارگزینی ضد کارگری و رتیس آن بزرگترین تنها از بازخرید روزافزون کارگران جلو گیری نمی‌کند، بلکه آنان را نسبت به بازخرید و دریافت مبلغ بنگلی ناچیز تشویق می‌نماید. کارگران زحمتکش کارخانه کفش ملی طهرغم خواست خود مبنی برداشتن کار، اجباراً به خاطر شرایط طاقتفرسای اقتصادی و همچنین دریافت مبلغ ناچیزی به عنوان حقوق (اکثریت کارگران با دریافت ماهیانه ۲۶۰۰ تومان مشغول به کارند) چاره‌ای جز بازخرید کردن خود و اشتغال به

گزارش رسیده از ایران

"بند و بستهای پشت پرده"

است. مسائل فوق نشانده رابطه وسیع و پنهان ایران با آمریکا و اسرائیل و دریافت اسلحه (گفته می‌شود محموله‌های سلاح از ۱۸ ماه پیش تا کنون از آمریکا و اسرائیل به ایران ادا شده) می‌باشد.

طهرغم نیاز شدیدی ایران به تماس با آمریکا و توجه آن توسط سردمداران، مورد مخالفت شدید جناحهای درون حاکمیت، بویژه دفتر تحکیم، سپاه پاسداران و بخشی از نمایندگان مجلس و اعضای کابینه دولت قرار گرفته است.

از جمله روز ۱۲ آبان که هاشمی رفسنجانی برای افشا و پرده برداشتن از روابط پنهان خود و دولت آمریکا موضعیت را مناسب دیده بود، مورد مخالفت شدید دانشجویان قرار گرفت و در حین سخنرانی چندین بار دچار وقفه گردید. کشکش‌ها و درگیریهایی درونی رژیم روز به روز ابعاد وسیعتری پیدا می‌کند و ناگزیر به فروپاشی آن خواهد انجامید.

اکنون محرز است که ورود هیئت امریکایی به تاریخ ۱۳ تیرماه از میدا یوکوسلاوی به مقصد مهرآباد انجام گرفته است. همچنین آشکار است که از بدو ورود هیئت فوق‌الذکر (که توسط خلبان امریکائی ریچارد آلن انجام گرفته) نمایندگان ایرانی و هیئت بلند پایه (نماینده خاضه اسی و رفسنجانی و نمایندگان وزارت دفاع و مساونت لجستیکی و مسئول سپاه و وزارت اطلاعات) رژیم خمینی که از مدتها قبل در تدارک چنین ملاقاتی بودند، در فرودگاه مهرآباد به استقبال هیئت امریکائی رفته‌اند. طبق اطلاع بعد از ورود هیئت به هتل هایت (اوین) بلافاصله مذاکرات حول محورهای فوق صورت گرفت:

۱- پیشنهاد از جانب ایران حول دریافت قطعات (اف ۴ - اف ۵ - اف ۷) - هاگسپستم رادار) - بحث و گفتگو حول محور لوازمو و ایزی که در آمریکا بوده و متعلق به دولت ایران بوده است. ۲- بحث و گفتگو پیرامون گروگانهای امریکائی در بیروت، زندانیان وابسته به حزب الله و در کویت. ۳- گفتگو پیرامون دولت عراق و امکان بند و بست بر اثر تحویض صدام حسین.

همچنین فردی بنام "فردین عظیمی" (از وابستگان به رژیم سلطنتی) نیز همراه هیئت همراه بوده

9955903000
Berliner Bank
Aznavian

حساب بانکی ما

نشانی ما:

PLK
NR. 032363 C
1000 BERLIN 12

نشریه خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز دبرلین غربی

پژواک

بها: معادل ۱/۵ مارک آلمان فدرال

6. Dez. 1986